

## قیاس مع الفارق

یادداشت مهندس محمد توسلی در روزنامه شرق ۸۹/۵/۲۱

خطیب این هفته (۸۹/۵/۱۵) نماز جمعه تهران آقای سید احمد خاتمی در نقد سخنان اخیر آقای رحیم مشایی رئیس دفتر رئیس جمهور که آنرا «شرک آلود» خواند بدون ذکر نام، این سخنان را با دیدگاه‌های مرحوم مهندس بازرگان در سال‌های اول انقلاب شبیه سازی کرد و گفت:

«در ابتدای انقلاب یکی از سیاسیون گفته بود فرق ما با امام این است که امام ایران را برای اسلام می‌خواهد و ما اسلام را برای ایران می‌خواهیم که این همان ملی‌گرایی شرک آلود است و امام آن را خلاف اسلام و قرآن دانست».

برای رفع ابهام از این شبیه سازی ضرورتاً در غیاب شادروان مهندس مهدی بازرگان، به عنوان شاگرد و همراه آن مرحوم در طول چند دهه، توضیحاتی را اگر چه به طور اجمال و اختصار یادآور می‌شوم.

۱- در مقاله «ایران و اسلام» تفاوت نگاه مهندس بازرگان با رهبر فقید انقلاب درباره اسلام و ایران ارائه شده است که در جلد دوم «بازیابی ارزشها» و مجموعه آثار آن مرحوم نیز منتشر شده است.

در این مقاله به استناد آیات قرآن، که اسلام را دین فطری و هدف آن را هدایت و هموار کردن راه رشد و کمال انسان معرفی می‌کند طبیعی است که در کشور ما اسلام برای ایران و ایرانیان تلقی شود. به لحاظ تاریخی نیز اسلام چنین نقشی را در گذشته در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی ایران ایفا کرده است.

۲- شهید استاد مطهری در کتاب ارزشمند خود با عنوان «خدمات متقابل اسلام و ایران» که در سال‌های دهه سی در انجمن اسلامی مهندسين ارائه و سپس تدوین و منتشر شد به خوبی نقش اسلام و ایرانیان را در این خدمات متقابل تشریح کرده‌اند. نقش اسلام در شکوفایی استعدادها و کمال ایرانیان و نقش ایرانیان را در فهم و گسترش فرهنگ اسلامی در این اثر به خوبی تصویر شده است. در این اثر به طور تاریخی و مستند نقش اسلام برای ایران و ایرانیان تبیین شده است.

۳- مهندس بازرگان در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ طی سخنرانی افتتاحیه تأسیس نهضت آزادی ایران در اجتماع دوستان و همفکرانش گفت: که ما «مسلمان، ایرانی و مصدقی» هستیم. در آن سخنرانی مفهوم مسلمانی، ایرانی و مصدقی بودن به طور مشخص تعریف شده است. این مفاهیم دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی مهندس بازرگان و همفکران او را در دهه‌های چهل و پنجاه یعنی سالهای قبل از انقلاب برای همگان روشن ساخته بود و برای دفاع از این دیدگاه‌ها در دادگاه نظامی سال ۱۳۴۲ محاکمه و به زندان طولانی محکوم شدند. بر پایه همان نگاه اسلامی و ایرانی مدافعات

خود را با عنوان « چرا با استبداد مخالفیم؟ » ارائه دادند که به دفعات منتشر شده است. رهبر فقید انقلاب و اعضای شورای انقلاب با آگاهی کامل از مواضع اعتقادی و دیدگاه‌های اسلامی و ایرانی او به عنوان عضو شورای انقلاب و سپس نخست وزیر دولت موقت انتخاب شدند. این مفاهیم در حکم انتصاب مهندس بازرگان به سمت نخست وزیر دولت موقت انقلاب که در آن از اعتماد خودشان به «ایمان راسخ آن مرحوم به اسلام» و اطلاعشان از سوابق «مبارزات اسلامی و ملی» ایشان ذکر کرده بودند، کاملاً برجسته است.

اگر رهبر فقید انقلاب در سال‌های بعد تعریضی به دولت موقت داشتند از این بابت بود که چرا دولت موقت هماهنگ با جوانان، انقلابی عمل نمی‌کرد! اما هرگز به دیدگاه‌های اعتقادی مهندس بازرگان نسبت « شرک » و «خلاف اسلام» ندادند.

معلوم نیست امام جمعه موقت تهران با چه مبنایی، سخنان آقای مشایی را که از مبانی و انسجامی برخوردار نیست با دیدگاه‌های مهندس بازرگان، که در طول ۶۰ سال خدمات آن مرحوم ارائه شده و از انسجام و مبانی روشنی برخوردار است، مقایسه و شبیه سازی کرده‌اند. البته نیازی به توضیح نیست که دیدگاه‌های اعتقادی، مواضع و عملکرد آقای مشایی و همکاران ایشان در دولت دهم در موارد عدیده‌ای با دولت موقت و شخص مهندس بازرگان تضاد آشکاری دارند و لذا نمی‌توان محمل و یا توجیهی برای این شبیه‌سازی و مقایسه تصور کرد، اما می‌توان آن را مصداق «قیاس مع الفارق» دانست.